

تحلیل مصدر شناختی احادیث الغیبه شیخ طوسی

محمد غفوری نژاد^۱

محمد معرفت^۲

چکیده

بازشناسی مصادر نخستین حدیثی، دارای فوائد حدیثی؛ کتابشناختی و تاریخی متعددی است. مطالعه احادیث کتاب الغیبه شیخ طوسی و مقایسه آن با داده‌های فهرستی و حدیثی موجود، نشان می‌دهد که وی از کتاب‌هایی همچون کتاب سلیم بن قیس، مسائل علی بن جعفر، الکافی کلینی، الغیبه نعمانی، کمال الدین صدوق استفاده کرده است. از مصادر مفقود کتاب الغیبه طوسی می‌توان به کتاب‌های فضل بن شاذان (کتاب الرجعه یا کتاب القائم)، الإمامه یعقوب بن نعیم، بصائر الدرجات و الضیاء فی الرد علی محمدیه و الجعفریه سعد بن عبدالله اشعری، کتاب الاوصیاء شلمغانی، کتاب فی نصره الواقفه علی بن احمد علوی موسوی و اخبار الوکلاء الأربعة ابن نوح سیرافی اشاره کرد. در این تحقیق، از میان ۴۹۳ روایت کتاب الغیبه شیخ طوسی، مصدر ۳۱۳ روایت شناسایی شد که از میان آن‌ها، ۸۲ روایت از پنج مصدر موجود و ۲۳۱ روایت از مصادر مفقود اخذ شده‌اند.

واژگان کلیدی: شیخ طوسی، الغیبه شیخ طوسی، احادیث مهدویت، منابع حدیثی نخستین.

ghafoori@urd.ac.ir

m.marefat@urd.ac.ir

۱. استادیار گروه تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب.

۲. دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسؤول).

۱. مقدمه

جوامع حدیثی که در سده‌های سوم و چهارم هجری، به بعد نگاشته شده‌اند، برگرفته از متونی هستند که در سده‌های اول و دوم نوشته شده و غالباً به دست ما نرسیده‌اند. بر این اساس، می‌توان ادعا کرد بسیاری از متون حدیثی سلف، با کمک مجموعه‌های به جا مانده از سده‌های بعد قابل بازشناسی و بازسازی است.

بازشناسی و بازسازی مصادر حدیثی نخستین شیعه، متضمن بهره‌ها و فواید مهمی است که موارد ذیل را می‌توان از فواید کلی این قبیل پژوهش‌ها به شمار آورد:

الف) با این شیوه، می‌توان قسمت‌هایی از آثار مفقود را بازسازی کرد و از این طریق، محتوای این کتاب‌ها را بهتر شناخت.

ب) در مباحث حدیث شناسی، شناخت منابع روایات سنددار، بسیار اهمیت دارد؛ چه از این راه می‌توان در کشف تحریفات و تصحیفات واقع در اسناد، تمیز مشترکات واقع در آن و بر طرف کردن ابهامات موجود در اسناد و مواردی از این دست، گام‌های استواری برداشت.

ج) مبنای رجالی مهمی وجود دارد که بر اساس آن در طریق به کتاب‌ها، به بررسی سندی نیاز نیست (شیری زنجانی، زمستان، ۱۳۸۰). بر این مبنا یافتن طرق به کتاب‌ها در اسناد احادیث، اهمیت بسیار دارد.

د) در میان مستشرقان، گرایش غالب آن است که تاریخ یک اندیشه را حداکثر تا زمان منابع مکتوب آن می‌دانند (همان). این گرایش، صرف نظر از اشکالات مهم مبنایی (از شناختن ماهیت سند و نقش آن در متون تاریخی ناشی می‌شود) بر تفکر برخی محققان امامی سایه افکنده است. یافتن مصادر مکتوب یک کتاب، می‌تواند تاریخ یک اندیشه را به سال‌ها و چه بسا یک یا چند قرن قبل بازگرداند و بر اصالت آن اندیشه تأکید بیش‌تری به شمار آید.

ه) شناخت مصادر نخستین منابع حدیثی موجود، بر ارزیابی میزان اعتبار این منابع تأثیرگذار است. هرچه اعتبار مصادر کتاب بیش‌تر باشد، کتاب از اعتبار بیش‌تری برخوردار است. بازشناسی مصادر نخستین حدیثی، بر ارزیابی میزان اعتبار این منابع نیز مؤثر است؛ چراکه میزان اعتماد مشایخ بزرگ حدیثی بر یک کتاب، در اعتبار آن نقش تعیین‌کننده دارد. یکی از معیارهای مهم اعتبارسنجی احادیث نزد قدمای اصحاب، میزان اعتبار منبع مکتوب آن

حدیث است.

کتاب *الغیبه* شیخ طوسی، از منابع اصیل و با اهمیت امامیه در موضوع مهدویت و غیبت است. این پژوهش در پی بازشناسی آثاری است که شیخ طوسی در تدوین کتاب خود، از آن‌ها بهره برده است. متذکر می‌شویم که در این مقاله اصالتاً به دنبال مصادر بی‌واسطه کتاب *الغیبه* شیخ طوسی هستیم؛ هرچند ممکن است در مواردی به مصادر این منابع نیز بپردازیم.

۲. پیشینه تحقیق

پیش از این، محمد مسعودی در مقاله «بازشناسی مصادر کتاب *الغیبه* طوسی» (مسعودی، بهار ۱۳۸۸)، کتاب *الغیبه* شیخ طوسی را از نگاه مصدرشناختی مورد تحقیق قرار داده و برخی از مصادر آن را بازشناسی کرده است. مقاله مذکور فضل سبق در تحقیق این موضوع را از آن خود کرده و به یافته‌های قابل توجهی نیز رسیده است؛ در عین حال، دارای برخی کاستی‌ها است. مهم‌ترین نقص آن پژوهش، عدم استقصای روایات، غفلت از روایات مشابه در دیگر مصادر حدیثی و فقدان تحلیل‌های مصدرشناختی در مورد یکایک روایات کتاب *الغیبه* است. محمد براری نیز در مقاله «منبع‌شناسی روایات علائم ظهور در کتاب *الغیبه* شیخ طوسی» (براری، تابستان ۱۳۹۵)، تنها به بازشناسی برخی منابعی پرداخته که شیخ در باب «علائم ظهور» از آن منابع استفاده بیش‌تری کرده است.

۳. روش کار در این تحقیق

سه راهکار اصلی در کنار یکدیگر، تشخیص مصدر احادیث مجموعه‌های ثانوی حدیثی را میسر می‌سازد: الف) توجه به سند نقل مصادر نخستین در فهرس؛ ب) تکرار سلسله سند منتهی به مؤلف (صاحب کتاب) در منابع حدیثی؛ ج) همخوانی موضوع روایات با عنوان کتاب مؤلف.

با به کار بستن این راهکارها می‌توان بسیاری از روایات مصادر حدیثی که از دست رفته را بازساخت و برخی از آثار را تا حدودی بازسازی کرد. البته در کنار این سه قاعده اصلی، قرینه‌ها و نکته‌های ظریف دیگری وجود دارد که مجال ذکر آن نیست.^۱

۱. برای آشنایی با «قراین کشف مصادر مفقود» (ر.ک: شبیری زنجانی، زمستان ۱۳۸۰).

۴. مصدر شناسی کتاب الغیبه

مصداری که شیخ از آن‌ها بهره برده، به دو گروه «مصادر موجود» و «مصادر مفقود» قابل تقسیم است. در این نوشتار، بر اساس مؤلفانی که شیخ در تدوین کتاب الغیبه از آثار مکتوب آنان استفاده کرده، به بررسی مصادر مورد استفاده او می‌پردازیم:

۴-۱. مصادر موجود

۴-۱-۱. ابوصادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی (م ۷۶ق):

کتاب سلیم از قدیمی‌ترین کتاب‌های حدیثی باقیمانده است که دارای اهمیت ویژه‌ای از نظر تاریخی، حدیثی و کلامی است. از دیر زمان، شخصیت سلیم و کتاب منسوب به وی، مورد مناقشه اندیشمندان شیعه بوده است. دیدگاه‌های ابراز شده درباره کتاب سلیم، در چهار گروه تقسیم بندی می‌شوند: اعتبار مطلق، اعتبار نسبی، جعلی بودن کتاب و جعلی بودن کتاب و نویسندگی. برخی پژوهش‌های معاصر گویای آن است که در این میان، صحیح‌ترین نظریه، اعتبار نسبی کتاب سلیم است. بر این اساس، شخصیت سلیم و کتابش وجود حقیقی داشته؛ اما به مرور زمان نسخه‌های آن دست کاری شده است (ر.ک: قلیچ، آبان ۱۳۹۰).

شیخ طوسی در مجموع سه روایت از سلیم در فصل‌های اول و پنجم کتاب الغیبه نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۳۷، ۱۹۳ و ۳۳۴).^۱ شیخ برای اولین مورد (همان: ص ۱۳۷)، دو سند ذکر کرده که سند دوم را به واسطه محمد بن یعقوب کلینی به سلیم بن قیس رسانده است. تطبیق سند شیخ از کلینی تا سلیم، با سند مذکور در کتاب کافی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۲۹)، نشان می‌دهد شیخ این حدیث را از کافی گرفته است. وجود ابان بن ابی‌عیاش، تنها ناقل کتاب سلیم (حلی، ۱۴۱۱: ص ۲۰۶)، در سند این روایت، احتمال اخذ آن را از کتاب سلیم تقویت می‌کند.

حدیث مورد بحث، در نسخه منتشر شده کتاب سلیم موجود نیست. با توجه به این‌که سلیم شخصیت کاملاً شناخته شده‌ای نیست و در منابع، غیر از کتاب منسوب به او، اثر یا آثار دیگری برای او یاد نشده است، احتمال نقل آن، از دیگر آثار مکتوب سلیم قابل اعتنا نیست. همچنین در اختفا زیستن وی به دلیل تحت تعقیب بودن او از طرف حجاج بن یوسف ثقفی

۱. برای مطالعه موارد دوم و سوم در کتاب سلیم (ر.ک: سلیم، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۹۰۵-۹۰۸).

(همان)، احتمال نقل شفاهی از او را تضعیف می‌کند. بنابراین، محتمل است کتاب سلیم در طول تاریخ دچار حذف و اضافاتی شده؛ از این‌رو، نسخه‌های آن از حیث اشمال بر احادیث، مختلف شده‌اند.

سند دومین مورد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۹۳)، با طریقی کاملاً منطبق است که شیخ در فهرست (همان، ۱۴۲۰: ص ۲۳۰)،^۱ به کتاب سلیم ارائه کرده است. شیخ، سند سومین مورد (همان، ۱۴۱۱: ص ۳۳۴) را مستقیماً با نام سلیم آغاز کرده و لذا به احتمال قوی شیخ این دو روایت را از کتاب سلیم اخذ کرده است.

۴-۱-۲. ابوالحسن علی بن جعفر الصادق علیه السلام مشهور به علی غریزی (م. ۲۱۰ یا ۲۲۰ یا ۲۵۰ ق):

شیخ طوسی در رجال، وی را از اصحاب پدرش امام صادق علیه السلام، (همان، ۱۳۷۳: ص ۲۴۴)، امام کاظم علیه السلام (همان: ص ۳۳۹) و امام رضا علیه السلام (همان: ص ۳۵۹)، ذکر کرده است. او گرفتار مذهب وقف نشد و بر عقیده صحیح باقی ماند. حسن بن فضال حدیثی نقل کرده که در آن امام کاظم علیه السلام، امامت امام رضا علیه السلام را بر علی بن جعفر عرضه می‌کند و وی آن را می‌پذیرد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲). ارباب فهارس و رجال، کتابی برای او ذکر کرده‌اند که حاوی پرسش‌های او از برادر بزرگوارش، امام کاظم علیه السلام بوده است (نجاشی، بی‌تا: ص ۲۹-۲۵۲؛ طوسی، ۱۴۲۰: ص ۲۶۴ و همان، ۱۳۷۳: ص ۳۵۹). سؤالات فراوان دیگری نیز از علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام در منابع روایی وجود دارد که در نسخه موجود کتاب مسائل مطرح نشده است.^۲

شیخ در فصل‌های اول و پنجم کتاب الغیبه، چهار روایت از وی نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲، ۱۶۰، ۱۶۶ و ۳۳۷).^۳ این روایات در نسخه انتشار یافته کتاب مسائل ذکر

۱. «أخبرنا ابن أبي جيد عن محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن أبي القاسم الملقب بماجيلويه، عن محمد بن علي الصيرفي، عن حماد بن عيسى و عثمان بن عيسى، عن أبان بن أبي عياش، عن سليم بن قيس الهلالي، و حماد بن عيسى عن إبراهيم بن عمر اليماني، [عن أبان بن أبي عياش] عن سليم بن قيس».

۲. برخی از محققان معاصر، این دست از روایات را مأخوذ از این کتاب دانسته و به عنوان مستدرکات کتاب مسائل به شمار آورده‌اند (ر.ک: غریزی، ۱۴۰۹).

۳. به این ترتیب: غریزی، ۱۴۰۹: ص ۳۴۷، ح ۸۵۶، ص ۳۲۷، ح ۸۱۵ و ص ۳۲۵، ح ۸۱۰.

شیخ طوسی در هشت مورد، طریقتش به روایات کلینی را در اول اسناد به طور کامل ذکر کرده است (همان: ص ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۵۱، ۲۶۷، ۲۸۱، ۲۹۰، ۳۵۹ و ۳۶۲). مطابقت سند این احادیث با طریقی که شیخ در فهرست (همان، ۱۴۲۰: ص ۳۹۴) به کتاب‌ها و روایات کلینی ارائه کرده، گویای آن است که مصدر این احادیث نیز خود کلینی است.

شیخ در ۳۹ مورد، سند را با نام کلینی، یعنی «محمد بن یعقوب» (طوسی، ۱۴۱۱: صص ۳۱، ۳۲، ۶۴، ۲۲۳، ۲۳۰-۲۳۳، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۷۱، ۲۸۴، ۳۵۱، ۳۵۳، ۴۱۵ و ۴۱۶)، یا با ضمیر «عنه» (همان: ص ۳۴ و ۳۷ (دو روایت)، ص ۳۸، ۳۹ و ۴۰)، یا اسم اشاره «بهذا الإسناد» (همان: ص ۳۸، ۱۵۲، ۱۵۴، ۲۳۴ و ۲۶۸ (سه روایت)، ص ۲۶۹، ۲۸۲، ۲۸۳ و ۴۱۶ (دو روایت)) آغاز کرده است. وی در ترجمه کلینی در فهرست، طرق متعددی به کتاب‌ها و روایات وی بیان کرده است (همان، ۱۴۲۰: ص ۳۹۴).

شیخ یک روایت را بدین گونه نقل کرده است: «فَرَوَى عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ...» (همان، ۱۴۱۱: ص ۳۵۱). با توجه به این که «علی بن ابراهیم» از مشایخ کثیر الروایه کلینی است و این روایت در کافی آمده (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۴۸، ح ۲۷)؛ محتمل است شیخ آن را نیز از کافی گرفته باشد.

شیخ ۱۰ روایت از کلینی نقل کرده (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۶۴، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۷۱، ۲۹۰، ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۶۲ و ۴۱۵)؛ که بعد از بررسی و جست و جو این روایات در نسخه منتشر شده کتاب کافی یافت نشدند. درباره این روایات نکاتی قابل ذکر است:

الف) روایت صفحه ۲۲۳/الغیبه^۱ را علامه مجلسی و سید بن طاووس، نه از کلینی، بلکه از

.....
کتاب الغیبه شیخ طوسی آمده است) و ح ۵: یافت نشد؛ ص ۵۱۸، ح ۵: ص ۵۲۰، ح ۱۳: ص ۵۲۲، ح ۱۶ و ۱۷: ص ۵۲۴، ح ۲۷: ص ۵۲۵، ح ۳۱: یافت نشد (دو روایت)، ص ۵۴۸، ح ۲۷، یافت نشد، ص ۳۲۹ (معیار در آدرس دهی، ترتیب روایات کتاب الغیبه شیخ طوسی است: از این رو در برخی موارد جایجایی در آدرس دهی از مصادر موجود صورت گرفته است)، ح ۱: یافت نشد (دو روایت)، ص ۵۲۲، ح ۱۷ و ص ۵۲۳، ح ۲۳.

۱. این روایت را شیخ مجدداً ذیل «فَأَمَّا الْكَلَامُ فِي وِلَادَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین آورده: «وَقَدْ تَقَدَّمَتْ الرُّوَايَةُ مِنْ قَوْلِ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ وُلِدَ لَهُ: وَ زَعَمَتِ الظُّلَمَةُ أَنَّهُمْ يَقْتُلُونَنِي لِيَقْطَعُوا هَذَا النِّسْلَ فَكَيْفَ رَأَوْا قُدْرَةَ اللَّهِ وَ سَمَاءَ الْمُؤْمَلِّ» (همان: ص ۲۳۱).

کتابی که «نصر بن علی الجَهْضَمِي» درباره موالید ائمه عليهم السلام داشته است، گرفته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۰، ص ۳۱۴ و سید بن طاووس، ۱۴۱۱: ص ۲۷۷).

(ب) حدیث صفحه ۲۳۰ را نیز علامه مجلسی از کتاب *کمال الدین* شیخ صدوق نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ص ۳۶۳). شیخ صدوق، این روایت را در دو جای کتابش آورده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۱، ح ۲۷ و ص ۵۰۷، ذیل ح ۳۶).

(ج) روایت صفحه ۲۳۲، با مقداری اختلاف در متن، در دو موضع از *کمال الدین* شیخ صدوق از «نسیم خادم اَبی محمد عليه السلام نقل شده است (همان: ج ۲، ص ۴۳۰، ذیل ح ۵ و ص ۴۴۱، ح ۱۱).

(د) در مورد روایات مذکور و سایر منقولات شیخ از کلینی که در *کافی* موجود نیست؛ چند احتمال به نظر می‌رسد: احتمال نخست آن است که این روایات در نسخه‌های متقدم *کافی* بوده و بعدها حذف شده‌اند. با توجه به این که کتاب *کافی* از زمان نگارش در اغلب دوره‌ها مشهور بوده، این احتمال بسیار ضعیف است.

احتمال دوم آن است که شیخ این روایات را از کتاب‌های مشایخی گرفته باشد که در طریق وی به آنان، کلینی واقع شده است؛ اما چنین احتمالی نیز بعید است؛ زیرا در اغلب موارد مذکور، شیخ، سند را با نام کلینی آغاز کرده و لذا به احتمال قوی روایت را از یکی از آثار کلینی نقل کرده است. احتمال سوم آن است که شیخ این روایات را از دیگر آثار کلینی که به دست ما نرسیده است، نقل کرده باشد. نیز محتمل است این روایات از منقولات شفاهی^۱ کلینی بوده باشند.

۴-۱-۴. ابو عبدالله محمد بن ابراهیم کاتب نُعمانی، معروف به ابن ابی زینب (م ۳۶۰ق):

کتاب وی با عنوان *الغَیْبَة* یکی از آثار مهم شیعه در موضوع مهدویت و مسئله غیبت است. شیخ در تدوین کتابش، از نعمانی ۹ روایت در فصل‌های اول و سوم آورده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۲۷ و ۱۲۸ (دو روایت)، صص ۱۲۹-۱۳۳ و ۲۵۷)^۲ و هشت روایت را پی در پی، در

۱. مراد از منقولات شفاهی کلینی، منقولاتی است که به آثار کتبی او راه نیافته و از او به صورت شفاهی به دیگران منتقل شده و بعدها به شیخ رسیده است.

۲. به این ترتیب: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۰۲، ح ۳۱ و ص ۱۰۳، ح ۳۲ و ۳۳ (دو بار پشت سرهم)، ص ۱۰۴، ح ۳۴، ص ۱۰۵، ح ۳۵ و ص ۱۰۶، ح ۳۶ و ۳۷، یافت نشد.

ذیل «ما يدل على إمامة صاحب الزمان عليه السلام» (همان: ص ۱۲۶) نقل کرده که در اولین مورد (همان: ص ۱۲۷)، طریقش را به کتاب نعمانی در شروع سند به طور کامل آورده، و در بقیه آن‌ها (همان: ص ۱۲۸) (دو روایت)، ص ۱۲۹-۱۳۳؛ سند را با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع کرده است. ترتیب نقل این روایات در دو کتاب، می‌تواند قرینه‌ای بر نقل از کتاب نعمانی باشد.

شیخ طوسی نهمین روایت (همان: ص ۲۵۷) را ذیل «و أما ما روى من الأخبار المتضمنة لمن رآه و هو لا يعرفه أو عرفه فيما بعد» (همان: ص ۲۵۳)، از نعمانی نقل کرده که آن را بعد از بررسی، در کتاب غیبت نعمانی نیافتیم. در این خصوص، احتمالات زیر به ذهن می‌رسد: الف) ممکن است این روایت اساساً به نعمانی متعلق نباشد و از «محمد بن ابراهیم بن یوسف الکاتب» اخذ شده که با نعمانی تشابه اسمی دارد و واژه «النعمانی» اشتباهاً در دنباله اسم وی در غیبت شیخ اضافه شده باشد. نجاشی در رجال و شیخ در فهرست «محمد بن ابراهیم بن یوسف الکاتب» را در زمره راویان حدیث و فردی متمایز از «محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی» ذکر کرده‌اند (نجاشی، بی تا: ص ۳۷۲ و طوسی، ۱۴۲۰: ص ۳۹۱). ولی این احتمال صحیح نیست؛ زیرا اولاً: شیخ در فهرست طریق خود را به «محمد بن ابراهیم بن یوسف الکاتب»، «أبو عبدالله أحمد بن عبدون، المعروف بابن الحاشر» معرفی کرده (طوسی، همان)؛ در حالی که در این سند به واسطه «ابوالحسن محمد بن علی الشجاعی الکاتب»، از وی روایت کرده است؛^۱ ثانیاً: در میان مشایخ «محمد بن ابراهیم بن یوسف الکاتب»، فردی به نام «یوسف بن احمد» نیافتیم (ر.ک: نجاشی، بی تا: ص ۳۷۲؛ طوسی، ۱۴۲۰: ص ۳۹۱؛ حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۴۴؛ همان: ۱۳۸۱: ص ۳۵۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ص ۹۷ و خویی، ۱۴۱۳: ج ۱۵، ص ۲۳۴ و ۲۳۵).

ب) شیخ این روایت را از آثار مشایخی گرفته که در طریق وی به آنان، نعمانی واقع شده است. چنین احتمالی نیز بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا پس از بررسی در فهرست شیخ و مشیخه تهذیب و استبصار موردی را نیافتیم که نعمانی در طریق شیخ به سایر کتاب‌ها واقع شده باشد.

۱. ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۵۳: «وَ أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِوْنِ الْمَعْرُوفِ بَابْنِ الْحَاشِرِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الشُّجَاعِيِّ الْكَاتِبِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمِ النَّعْمَانِيِّ، عَنْ يُوسُفَ بْنِ أَحْمَدَ الْجَعْفَرِيِّ...»

ج) این روایت، از سایر کتاب‌های نعمانی همچون کتاب *الفرائض* یا کتاب *الرد علی الإسماعیلیه* (نجاشی، بی تا: ص ۳۸۳)، اخذ شده باشد؛ زیرا اولاً: در طریق آن، شاگرد نعمانی - أبوالحسین محمد بن علی الشجاعی الکاتب - واقع شده^۱ و وی راوی کتاب‌های استادش معرفی شده است (نجاشی، همان)؛ ثانیاً: نعمانی این روایت را از «یوسف بن احمد» نقل کرده که اساساً نامش در غیبت نعمانی نیامده است.

د) احتمال دارد این حدیث از منقولات شفاهی نعمانی بوده باشد. همچنین محتمل است از جمله روایات غیبت نعمانی باشد که توسط راویان بعدی یا ناسخان، از کتاب حذف شده است.

۴-۱-۵. ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق):

کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* شیخ صدوق، از قدیمی‌ترین و معتبرترین منابع موجود روایی شیعه در مباحث امامت و مهدویت است که از دیگر مصادر کتاب الغیبه محسوب می‌شود.

شیخ طوسی در مجموع، ۱۸ حدیث از *کمال الدین شیخ صدوق* اخذ کرده که آن‌ها را در فصل‌های دوم، چهارم و ششم کتاب خود آورده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۵۰-۲۵۱، ۲۹۶، ۳۱۷، ۳۲۰ و ۳۲۱ (دو روایت)، ص ۳۲۳ و ۳۲۴، ۳۶۱، ۳۶۳ و ۳۶۴ (دو روایت)، ص ۳۷۰ (دو روایت)، ص ۳۹۳، ۳۹۴ و ۳۹۵).^۲ مشترک بودن اسناد روایات شیخ با روایات *کمال الدین*، از شیخ صدوق به بعد، قرینه‌ای بر نقل از کتاب مرحوم صدوق است. شیخ وی همیشه توسط «جماعه» از شیخ صدوق روایت نقل کرده که مرادش «أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید) و الحسین بن عبیدالله [الغضائری]» است (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۲۷۴).

شیخ در الغیبه ذیل «فأما السفراء الممدوحون فی زمان الغیبه»، (همان، ۱۴۱۱: ص ۳۵۳)؛

۱. البته در این روایت، نام ایشان به «ابوالحسن محمد بن علی الشجاعی الکاتب» تحریف شده است.
 ۲. به ترتیب در: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۳۴، ح ۱ و ص ۴۴۰، ح ۹ و ۱۰ (در غیبت این دو روایت تلفیق شده)، ص ۵۲۰، ح ۴۹، ص ۵۰۵، ح ۳۶، ص ۵۰۲، ح ۳۱، ص ۵۰۳، ح ۳۴، ص ۵۰۷، ح ۳۷، ص ۵۰۹، ح ۳۹، ص ۵۰۷، ح ۳۷، ص ۵۱۰، ح ۴۱، ص ۴۴۰، ح ۸، ص ۴۴۰، ح ۹ و ۱۰ (در غیبت برای بار دوم این دو روایت تلفیق شده)، یافت نشد، ص ۵۰۱، ح ۲۸، ص ۵۰۳، ح ۳۳، ص ۴۳۲، ح ۱۲، ص ۵۰۳، ح ۳۲ و ص ۵۱۶، ح ۴۴.

روایتی از شیخ صدوق به سند «و بهَذَا الإسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ...» (همان: ص ۳۶۴)، نقل کرده است. روایت اخیر بعد از جست و جو در کمال الدین و تمام النعمه یافت نشد. مشابه این متن را نیز در آثار موجود شیخ صدوق نیافتیم. احتمال این که شیخ این روایت را از کتاب‌های مشایخی گرفته باشد که در طریق وی به آنان، صدوق واقع شده باشد، مردود است؛ زیرا همان‌طور که گذشت، شیخ طوسی در الغیبه همیشه با یک واسطه - با تعبیر «جماعة» - از او روایت نقل کرده است. بنابراین، محتمل است شیخ آن را از کتاب‌های مفقود شیخ صدوق گرفته باشد یا آن که از منقولات شفاهی شیخ صدوق باشد.

۴-۲. مصادر مفقود

۴-۲-۱. ابو یوسف، یعقوب بن نعیم بن عمرو قرقارة الکاتب (م ۱۸۲ق):

شرح حال نویسان، وی را از بزرگان امامیه، ثقه و اصحاب امام رضا علیه السلام معرفی کرده‌اند (نجاشی، بی تا: ص ۴۴۹؛ حلی، ۱۳۸۱: ص ۴۵۲ و ابن داوود حلی، ۱۳۴۲: ص ۳۷۹). آیت الله خوبی پس از نقل عبارات منابع رجالی، در بزرگی و وثاقت یعقوب بن نعیم، صحت انتساب عبارت نجاشی را به وی مورد تردید قرار داده و در انتها، با عبارت «و الله العالم بالحال»، در پذیرش یا رد آن دیدگاهی بیان نکرده است (خوبی، ۱۴۱۳: ج ۲۱، ص ۱۵۵ و ۱۵۶).

تنها کتابی که از یعقوب بن نعیم در منابع رجالی نام برده شده، کتابی در موضوع امامت است (نجاشی، بی تا: ص ۴۳۹ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۷، ص ۳۴۶؛ ذیل ح ۳۱). علامه مجلسی نام کتاب وی را الامامة دانسته (مجلسی، همان) و نجاشی طریق خود را به کتاب مذکور بیان کرده است (نجاشی، بی تا: ص ۴۳۹).

طریقی از شیخ طوسی به کتاب و روایات وی در دسترس نیست؛ چراکه در فهرست شیخ و در دیگر کتاب‌های موجود از شیخ - غیر از الغیبه - هیچ نامی از یعقوب بن نعیم برده نشده است.

شیخ در الغیبه، تنها هفت روایت از یعقوب بن نعیم اخذ کرده (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۶۱ و ۴۶۲ (دو روایت)، ص ۴۶۳-۴۶۶) که همگی آن‌ها را در فصل هفتم در بحث علائم و شرایط ظهور، ذیل «ذکر طرف من العلامات الکائنة قبل خروجه علیه السلام» (همان: ص ۴۳۳)، به صورت پی در پی آورده است. شیخ اولین آن‌ها را با سلسله سند خود به او رسانده و بقیه را به‌طور



مستقیم از خود وی نقل کرده که ظاهراً از کتاب او روایت کرده است. تکرار بخش‌های آغازین سند در گروهی از روایات پی در پی و اخذ مستقیم روایت از مشایخ با واسطه، از قرائن نقل از این مصدر مفقود است.

شیخ در اولین روایت (همان: ص ۴۶۱)، یعقوب بن نعیم را چنین معرفی کرده است: «ابی یوسف یعقوب بن نعیم بن عمرو قرقاره الکاتب». از این عبارت، درمی‌یابیم که شیخ، وصف «قرقاره» را وصف «ابویوسف یعقوب بن نعیم» دانسته؛ از این‌رو، در روایات بعدی (همان: ص ۴۶۲ (دو روایت)، ص ۴۶۳-۴۶۶)؛ سند را با نام «قرقاره» آغاز کرده است. اما با توجه به این که در منابع رجالی (برای نمونه ر.ک: نجاشی، بی‌تا: ص ۴۴۹ و ابن داوود حلی، ۱۳۴۲: ص ۳۷۹) و کتاب‌های حدیثی (برای نمونه ر.ک: صدوق، ۱۳۹۶: ص ۳۲، ح ۱۴ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۷، ص ۳۴۶)، وی را «یعقوب بن نعیم بن قرقاره الکاتب» معرفی کرده‌اند؛ روشن است قرقاره، وصف یعقوب بن نعیم نیست؛ بلکه وصف عمرو- جد یعقوب بن نعیم- است؛ لکن وصف «الکاتب»، وصف خود یعقوب است، همچنان که عبارت «یعقوب بن نعیم بن قرقاره، الکاتب أبو یوسف» در کلام رجال شناسان، بر آن صراحت دارد (برای نمونه ر.ک: نجاشی، بی‌تا: ص ۴۴۹؛ ابن داوود حلی، ۱۳۴۲: ص ۳۷۹ و حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۳۰، ص ۵۱۲).

فردی که از او در ابتدای سند روایت دوم به بعد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۶۲ (دو روایت)، ص ۴۶۳-۴۶۶) نام برده شده، «عمرو قرقاره»- جد یعقوب بن نعیم- نیست؛ بلکه خود یعقوب بن نعیم است؛ چراکه شیخ از آن جا که وصف قرقاره را وصف یعقوب بن نعیم به شمار آورده، برای اختصار، در روایات بعدی از این لفظ استفاده کرده است. از طرف دیگر طبق کتاب‌های فهرست، یعقوب بن نعیم از اصحاب امام رضا علیه السلام (۱۴۸-۲۰۳ق) به شمار می‌رود (نجاشی، بی‌تا: همان و حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۸۶، ش ۵)؛ اما در این روایات، قرقاره از کسانی نقل کرده که در طبقه یعقوب بن نعیم هستند (و نقل از آن‌ها برای جد یعقوب غیرممکن، یا بعید به نظر می‌رسد) مانند «محمد بن خلف حدادی» که تاریخ وفات او ۲۶۱ق (ابن حجر، ۱۳۲۶: ج ۹، ص ۱۵۰)؛ «ابوحاتم سجستانی» که تاریخ وفات وی ۲۴۸ق (ابن خلکان، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۳۳) می‌باشد و «عباس بن یزید بحرانی» که در سال ۲۵۸ق (ابن حجر، ۱۳۲۶: ج ۵، ص ۱۳۴) از دنیا رفته است (ر.ک: براری، تابستان ۱۳۹۵).

۴-۲-۲. ابومحمد فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری (م ۳۶۰ق):

وی از مشایخ حدیث و ثقات محدثان اثناعشری در اواسط قرن سوم هجری و از اجلای معاصر چندین امام معصوم علیهم السلام بوده است (نجاشی، همان: بی تا: ۳۰۷). شیخ طوسی از وی به عنوان متکلم و فقیهی جلیل القدر یاد کرده است (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۳۶۱).

نجاشی یکی از کتاب‌های فضل در موضوع رجعت را با عبارت «الرجعة حدیث» معرفی می‌کند (نجاشی، همان).^۱ در کتاب‌های رجعت، مفاهیم مهدویت و قائمیت نیز از ارکان اساسی بوده است؛ زیرا بر اساس روایات، موضوع رجعت با مهدویت و قائمیت پیوند دارد. از این‌رو، بعید نیست که در کتاب *الرجعه* به احادیث مهدویت نیز توجه شده باشد.

کتاب دیگر فضل در باب مهدویت، *اثبات الرجعه* می‌باشد^۲ که به ادعای برخی، شیوه کلامی داشته و احتمالاً در آن، روایت احادیث مورد نظر نبوده (انصاری، همان)؛ اما اخذ حدیث از آن، توسط برخی محدثان از حدیثی بودن آن حکایت دارد. از همین‌رو است که حرعاملی، *اثبات الرجعه* را از مصادر حدیثی کتاب *اثبات الهداه* معرفی کرده است (حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۵۰).

فضل علاوه بر این دو، کتاب دیگری مرتبط با بحث مهدویت داشته که از آن به کتاب *القائم* تعبیر کرده‌اند (نجاشی، بی تا: ص ۳۰۷؛ طوسی، ۱۴۳۰: ص ۳۶۱ و آقابزرگ تهرانی، بی تا: ج ۱۷، ص ۱).

شیخ در در فصل‌های ۷ و ۸ از کتاب *الغیبه*، ۶۸ روایت از فضل نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲۲ و ۴۲۳ (دو روایت)، ص ۴۲۵ و ۴۲۶ (سه روایت)، ص ۴۲۷ (دو روایت)، ص ۴۲۸ (دو روایت)، ص ۴۳۱ و ۴۳۷ (دو روایت)، ص ۴۳۸ و ۴۴۱ (سه روایت)، ص ۴۴۵ (دو روایت)، ص ۴۴۶ (دو روایت)، ص ۴۴۷ (سه روایت)، ص ۴۴۸ (سه روایت)، ص ۴۴۹ (سه روایت)،

۱. آقابزرگ تهرانی نیز با عبارت «الرجعة و احادیثها» به معرفی آن پرداخته است (آقابزرگ تهرانی، بی تا: ج ۱۰، ص ۱۶۲).

۲. منتخبی از این کتاب به کوشش سید باسم موسوی- که نسخه ای خطی از این کتاب را تصحیح کرده- با عنوان «مختصر إثبات الرجعة للفضل بن شاذان» در مجله *تراثنا السنه الرابعه*، ربیع الثانی، جمادی الاولی و جمادی الثانیه ۱۴۰۹ ع ۲؛ به چاپ رسیده است (ر.ک: موسوی، ۱۴۰۹ ص ۱۹۱-۲۲۲). البته برخی از محققان معاصر، متنی را که در *تراثنا* چاپ شده بر پایه نسخه مجعولی می‌دانند که نباید آن را از ابن شاذان دانست (انصاری، بی تا).

ص ۴۵۰ (دو روایت)، ص ۴۵۱ و ۴۵۲ (دو روایت)، ص ۴۵۳ (دو روایت)، ص ۴۵۴ (سه روایت)، ص ۴۵۵ و ۴۵۶ (دو روایت)، ص ۴۵۸ (دو روایت)، ص ۴۵۹ (سه روایت)، ص ۴۶۰، ۴۷۰ و ۴۷۱ (سه روایت)، ص ۴۷۲ (سه روایت)، ص ۴۷۳ (دو روایت)؛ ص ۴۷۴ (دو روایت)، ص ۴۷۵ و ۴۷۶ (سه روایت)، ص ۴۷۷ و ۴۷۸. وی در اول سند، نام فضل بن شاذان یا ضمیری را که به او برمی‌گردد، آورده است. قابل ذکر است، روایاتی که شیخ از فضل نقل کرده، نمی‌تواند از همان طریقی باشد که در چهار روایت قبل (همان: ص ۴۳۳، ۴۳۵ و ۴۳۶ (دو روایت)) عنوان کرده است؛^۱ چراکه اگر چنین بود، بر اساس روش شیخ در الغیبه، خصوصاً در دو روایت پیشین (همان: ص ۴۳۶ (دو روایت))؛ با عباراتی همچون «بهذا الإسناد» که رساننده شباهت سند است، مخاطب را مطلع می‌کرد (برای نمونه ر.ک: همان: ص ۳۸، ۴۷، ۱۲۸ (دو روایت)؛ ص ۱۲۹-۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲ و ...).

شیخ در فهرست دو طریق به کتاب‌ها و روایات فضل ارائه کرده است (همان، ۱۴۲۰: ص ۳۶۳). هرچند با توجه به گستردگی آثار فضل^۲ و تعدد آثار او در موضوع مهدویت (نجاشی، بی‌تا: ص ۳۰۷ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۱)؛ و عدم قرینه کافی، تشخیص دقیق عنوان منابع مورد استفاده شیخ در میان تألیفات فضل دشوار است؛ هماهنگی موضوع روایت با موضوع کتاب‌هایی که نام مؤلفش در سلسله سند حدیث ذکر شده، اخذ مستقیم روایت از مشایخ با واسطه و تعلیق سند به اضمار در گروهی از روایات پی در پی؛ قرائنی بر شناسایی کتاب‌های فضل، به عنوان یکی دیگر از مصادر الغیبه شیخ هستند.

۴-۲-۳. سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق):

یکی از مباحث مورد علاقه سعد بن عبدالله، مباحث اعتقادی و کلامی بوده و در این زمینه، کتاب‌های بسیاری، از جمله الضیاء فی الإمامة، بصائر الدرجات، الضیاء فی الرد علی‌المحمدیه و الجعفریه و الرد علی‌الغلاة داشته است (نجاشی، بی‌تا: ص ۱۷۷، ۱۷۸ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۱۵).

شیخ طوسی در کتاب الغیبه از سعد بن عبدالله بسیار حدیث نقل کرده است. وی با وجود

۱. در ادامه خواهیم گفت این چهار روایت از کتاب «ابوعلی احمد ابن ادریس اشعری قمی» اخذ شده‌اند.

۲. نجاشی آثار فضل را بالغ بر ۱۸۰ عنوان دانسته است (نجاشی، بی‌تا: ص ۳۰۷).

این که راوی مستقیم سعد نیست، اسنادش را با نام سعد یا ضمیری که به او برمی‌گردد، آغاز کرده است. اخذ مستقیم روایت از مشایخ با واسطه، قرینه‌ای بر اخذ از کتاب سعد است. شیخ در فهرست، طریق خود را به جمیع کتاب‌ها و روایات سعد بیان کرده است (طوسی، همان). یکی از کتاب‌های سعد، با نام *الضیاء فی الرد علی‌المحمدیه و الجعفریه*، مشتمل بر احادیثی است که در رد بر قائلان به امامت محمد بن علی الهادی علیه السلام و قائلان به امامت جعفر بن علی الهادی گرد آورده است. شیخ روایاتی را که تعدادشان به ۱۶ مورد می‌رسد (همان، ۱۴۱۱: ص ۸۲، ۱۹۸ و ۱۹۹) (دو روایت)، ص ۲۰۰ (دو روایت)، ص ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶ و ۲۲۷؛^۱ در فصل اول کتاب *الغیبه* آورده که سندشان با نام سعد آغاز شده و به رد فرقه محمدیه و فرقه جعفریه مربوط است. هماهنگی موضوع روایات با موضوع کتابی که نام مؤلفش در سلسله سند حدیث ذکر شده، قرینه دیگری بر اخذ مستقیم از کتاب *الضیاء* است.

شیخ طوسی ۲۲ روایت دیگر را نیز از سعد بن عبدالله اشعری قمی گرفته و آن‌ها را در فصل‌های اول، دوم، هفتم و هشتم کتاب *الغیبه* نقل کرده است (همان: ص ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۵-۱۶۶، ۱۹۶، ۲۲۰ و ۲۲۳) (دو روایت)؛ ص ۳۳۲ و ۳۳۳ (دو روایت)؛ ص ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۹۸، ۳۹۹ و ۴۳۰ (دو روایت)؛ ص ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۵۵ و ۴۷۰. از آن‌جا که این احادیث ظاهراً به رد فرق محمدیه و جعفریه ارتباطی ندارند، به نظر می‌رسد آن‌ها را- به همان قرائنی که گذشت- به‌طور مستقیم از سایر کتاب‌های کلامی سعد که با موضوع امامت و مهدویت مرتبط هستند، از جمله *الضیاء فی الإمامة و بصائر الدرجات* گرفته باشد. دو مورد از آن‌ها (همان: صص ۲۲۰ و ۴۵۵)، با مختصری تغییر، در کتاب *مختصر البصائر* که گزیده‌ای از *بصائر الدرجات* سعد است، ملاحظه می‌شود (حلی، ۱۴۲۱: ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۹۱ و ص ۱۴۱، ح ۱۰۸).

۴-۲-۴. ابوعلی احمد بن ادریس اشعری قمی (م ۳۰۶ق):

وی فقیه نامدار، محدث عالی‌قدر و یکی از چهره‌های درخشان شهر مقدس قم است (نجاشی، بی تا: ص ۹۲؛ طوسی، ۱۴۲۰: ص ۶۴؛ همان، ۱۳۷۳: ص ۳۹۷؛ حلی، ۱۳۸۱: ص ۶۶؛

۱. شیخ روایت صفحه ۲۰۵ را که ذیل «و أمّا معجزاته (امام عسکری علیه السلام) الدالة علی امامته» آورده و در صفحه ۲۲۳ ذیل «و اما القائلون بإمامة جعفر بن علی بعد أخیه علیه السلام»، در رد قائلان به امامت جعفر کذاب، تکرار کرده است.

ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ص ۱۵؛ خویی، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۴۲). شیخ در الغیبه، ۳۲ روایت از وی اخذ کرده که آن‌ها را در فصل‌های ۱، ۵، ۶ و ۷ آورده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۱ (دو روایت)؛ ص ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۶۰-۱۶۳ (دو روایت)، ص ۱۷۷، ۱۸۵ و ۱۸۷ (دو روایت)، ص ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۶ و ۳۳۲ (دو روایت)، ص ۳۳۵، ۳۳۷ و ۳۴۶ (دو روایت)، ص ۳۴۷، ۴۱۷، ۴۳۳، ۴۳۵ و ۴۳۶ (دو روایت)). در این زمینه نکات زیر را متذکر می‌شویم:

الف) مطابقت سند پنج روایت (همان: ص ۱۷۷، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۴۶ و ۴۳۳)، با طریقی که شیخ در فهرست (همان، ۱۴۲۰: ص ۶۴)، به احمد بن ادريس ارائه کرده است، لزوماً گویای آن نیست که این احادیث قطعاً از کتاب وی گرفته شده‌اند؛ بلکه محتمل است از منابعی اخذ شده باشند که احمد در طریق آن‌ها قرار داشته است. باید توجه داشت، در این سخن شیخ که می‌گوید: «أخبرنا بسائر رواياته...»؛ مراد از «روایات او»، احادیث کتاب او نیست؛ بلکه مراد کتاب‌هایی است که وی اجازه نقل آن‌ها را از مشایخ پیشین داشته و روایت کرده است.

ب) در ابتدای سند ۱۱ روایت (همان، ۱۴۱۱: ص ۴۱، ۱۶۱، ۱۶۳ و ۱۸۷ (دو روایت)، ص ۱۸۸، ۱۹۳، ۳۳۶، ۳۳۷، ۴۱۷ و ۴۳۵)، بدون ذکر طریق، نام احمد بن ادريس آمده است. در گروهی از روایات نیز که به‌طور یک‌جا و پی در پی نقل شده‌اند (همان: ص ۴۱، ۴۲، ۱۴۶، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۹۰، ۱۹۱، ۳۳۲، ۳۴۶، ۳۴۷ و ۴۳۶ (دو روایت))؛ شیخ به جای تکرار بخش‌های آغازین سند، از تعلیق سند به اضمار استفاده کرده است. بنابراین، اخذ مستقیم روایت از مشایخ با واسطه و تعلیق سند به اضمار در گروهی از روایات پی در پی، از جمله قرائن اخذ از کتاب احمد است.

ج) شیخ سند چهار روایت (همان: ص ۱۴۳، ۱۶۰، ۱۸۵ و ۱۹۶) را با عبارت «أخبرني جماعة عن أبي جعفر محمد بن سفيان البرزقري...» آورده است. با مقایسه این طریق با طریقی که شیخ در فهرست به روایات احمد بن ادريس بیان کرده (همان، ۱۴۲۰: ص ۶۴)؛ روشن می‌شود که «الحسين بن عبيدالله» یکی از آن «جماعة» می‌باشد.

د) طریق دو روایت پی در پی (همان، ۱۴۱۱: ص ۱۹۰ و ۱۹۱)، در همه جا تا «احمد بن ادريس» مشترک و از او به بعد، نام راویان مختلف است. بنابراین، احتمال اخذ از کتاب وی تقویت می‌شود. در واقع، طریق به مصدر مکتوب، بخش مشترک اسناد است که همواره تکرار می‌شود و اختلاف در اواخر اسناد، به اسناد مختلف مذکور در آن مصدر مکتوب مربوط است.

۴-۲-۵. ابوجعفر محمد بن علی بن ابی العزاقیر مشهور به شلمغانی (م ۳۲۳ق)

وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام و از محدثان و فقهای شیعی در ایام غیبت صغرا است. حسین بن روح، سومین نایب خاص امام دوازدهم، به دلیل جایگاه علمی شلمغانی، به وی عنایت داشت. از همین رو، شلمغانی توانست در میان امامیه جایگاهی والا بیابد (همان: ص ۴۰۳). دیری نپایید که دوران انحراف او آغاز شد. به گفته نجاشی حسادت بر مقام حسین بن روح، وی را بر آن داشت تا مذهب را ترک کرده و به انحراف گراید (نجاشی، بی تا: ص ۳۷۸). شیخ در فهرست درباره او می نویسد: وی ابتدا در طریق مستقیم بود؛ ولی بعد منحرف شد و اقوال عجیبی از او صادر گردید که دستگیر و در بغداد به دار آویخته شد (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۴۱۳).

شلمغانی کتاب های متعددی داشته که تألیف برخی از آن ها پیش از انحراف او بوده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۰: ص ۴۱۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۵، ص ۳۱؛ همان، ۱۳۸۴: ص ۳۳۱ و خراسانی کرباسی، ۱۴۲۵: ص ۴۵۹). از آن جمله کتاب *الأوصیاء* و کتاب *الغیبه* می باشد. بر اساس روایتی که حسین بن روح درباره تألیفات قبل از انحراف شلمغانی نقل کرده (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۸۹ و ۳۹۰)؛ آثار او همچنان نزد شیعیان از کتاب های معتبر و مورد اعتماد به شمار می رفته است.

استناد شیخ الطائفه - هر چند مختصر (همان: ص ۲۴۵-۲۴۶ (دو روایت)، ص ۳۴۳ (یک روایت)، ص ۳۹۱ و ۳۹۲ (چهار روایت))؛ به کتاب های شلمغانی برای اثبات موضوعی کلیدی، آن هم در دوره ای که بسیاری از منابع حدیثی دیگر در دسترس وی بوده؛ گویای جایگاه ویژه این کتاب نزد وی و تأثیر آن بر اعتقادات شیعه است.

شیخ طوسی در مجموع، هفت حدیث از شلمغانی اخذ کرده و آن ها را در فصل های پنجم و ششم کتاب *الغیبه* آورده است (همان: ص ۲۴۵ (دو روایت)، ص ۳۴۳ و ۳۹۱ (سه روایت) و ص ۳۹۲).^۱ در مورد این روایات، چند نکته را متذکر می شویم:

الف) شیخ در دو مورد (همان: ص ۳۴۳ و ۲۴۵) به اخذ از کتاب *الأوصیاء* شلمغانی و در دو

۱. شیخ دو روایت را در صفحات ۳۹۱ و ۳۹۲ بدون ذکر نام شلمغانی آورده؛ به قرینه عبارت «وَقَالَ فِي فَصْلِ آخَرَ» و «قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ» مشخص است که هر یک از آن دو، به روایت قبلش که منقول از شلمغانی است، عطف شده اند.

مورد (همان: ص ۳۹۱) (دو روایت)) به اخذ از کتاب *الغیبه* وی تصریح کرده است. سایر موارد نیز به قرینه تعلیق سند به اضمار در گروهی از روایات پی در پی، از کتاب شلمغانی گرفته شده‌اند. (ب) روایت صفحه ۲۴۵، بنا به تصریح شیخ طوسی از کتاب *الاوصیاء* شلمغانی نقل شده و منابع دیگر، از جمله حرعاملی در *اثبات الهداة* از غیبت شیخ گرفته‌اند (حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۱۲۶): زیرا کتاب *الاوصیاء* در اختیار شیخ حر نبوده است.

(ج) در یک مورد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۴۵ و ۲۴۶)، طریق شلمغانی به واسطه فردی که از او با عنوان «الثقه» یاد کرده است، به ابراهیم بن ادیس می‌رسد. این روایت در منابع دیگر، از کتاب *الاوصیاء* شلمغانی منقول است (حرعاملی، ۱۴۲۵: ص ۱۲۶ و ۱۲۷) و سند آن تنها، در کتاب *الهدایه* حسین بن حمدان (م ۳۳۴ق)، به طور کامل ذکر شده است (خصیعی، ۱۴۱۹: ص ۳۵۸). در ابتدای سند، حسن بن محمد بن جمهور قرار دارد و او این روایت را از فردی با عنوان «البشار» از ابراهیم بن ادیس نقل کرده است. حسن بن محمد بن جمهور، کتابی با عنوان *الواحد* داشته است (نجاشی، بی‌تا: ص ۶۲). با توجه به این که وی در عصر غیبت صغرا می‌زیسته، محتمل است شلمغانی این روایت را از او، یا از کتاب وی دریافت داشته است.

(د) شیخ صدوق مشابه روایت صفحه ۳۴۳ را در *کمال الدین*، همچون شلمغانی از ابو جعفر المروری روایت کرده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۲۱). صدوق این روایت را از طریق سعد بن سعد بن عبدالله اشعری قمی گرفته است. این روایت در منابع موجود، تنها از طریق سعد بن بغداد می‌زیسته است. یکی از قرائن این مطلب، آن است که از جمله مهم‌ترین مشایخ روایی او، محمد بن عیسی بن عبید است که در بغداد ساکن بوده است (نجاشی، بی‌تا: ص ۳۳۳). طبق مطالعه‌ای که بر روی کتب اربعه و کتاب *وسائل الشیعه* صورت گرفته است، محمد بن عیسی از حیث کثرت روایات دریافتی در رتبه سوم از مشایخ سعد بن عبدالله قرار دارد.^۱ به نظر می‌رسد منبع شلمغانی در این روایت یکی از کتاب‌های سعد بن عبدالله بوده است.

۴-۲-۶. ابومحمد علی بن احمد علوی موسوی (م ۳۵۶ق):

وی کتابی با عنوان *فی نصره الواقفة* داشته است. شیخ طوسی بنا به تصریح خود (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۳)، چهل روایت از این کتاب مفقود نقل کرده است (همان: ص ۴۳ و ۴۴ (دو روایت)، ص ۴۵ و ۴۶ (سه روایت)، ص ۴۷ (دو روایت)، ص ۴۸ (دو روایت)، ص ۴۹ (دو روایت)، ص ۵۰ و ۵۱ (دو روایت)، ص ۵۲ (دو روایت)، ص ۵۳ (سه روایت)، ص ۵۴ (دو روایت)، ص ۵۵ و ۵۶ (دو روایت)، ص ۵۷ (سه روایت)، ص ۵۸ و ۵۹ (دو روایت)؛ ص ۶۰ (سه روایت)، ص ۶۱ (دو روایت) و ص ۶۲ (سه روایت)). شیخ تمام این روایات را در فصل اول کتاب غیبت ذیل «الکلام علی الواقفة» (همان: ص ۲۳)، آورده است. به اعتقاد شیخ، این روایات یا در دلالت یا در صدور اشکال دارد. ایشان تمام روایات آن را قابل تأویل و توجیه می‌داند (همان: ص ۴۳). وی بعد از هر روایت، جواب آن را بیان کرده است.

۴-۲-۷. ابوالعباس احمد بن علی بن نوح سیرافی (م ۴۲۰ق):

ابن نوح از مشایخ نجاشی بوده و کتاب‌های بسیاری نگاشته که در شمار آن‌ها کتاب *الخبر الوکلاء الأربعة* است (نجاشی، بی تا: ص ۸۶ و ۸۷). وی شاکله اصلی کتابش را از «ابونصر هبة الله بن احمد بن محمد الکاتب» گرفته و نجاشی در شرح حال «ابونصر هبة الله» به این مطلب تصریح کرده است (همان: ص ۴۴۰). در برخی منابع، مثل *الغیبه* شیخ طوسی، نام او «هبة الله بن محمد» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۵۸، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۶، ۳۹۸ و ۴۰۱) و «هبة الله بن محمد بن احمد» (همان: ص ۳۵۳، ۳۵۵، ۴۰۳، ۴۰۸ و ۴۱۴) نیز ضبط شده است. بنا بر تصریح رجال شناسان، نام صحیح او همان «هبة الله بن احمد بن محمد» می‌باشد (برای نمونه ر.ک: نجاشی، بی تا: ص ۸۶ و ۸۷؛ ابن داوود حلی، ۱۳۴۲: ص ۳۶۶ و ۵۲۴، و حلی، ۱۴۱۱: ص ۲۶۳).

ابن نوح طی وصیتی تمام کتاب‌هایش را به نجاشی بخشیده است^۱ و قاعدتا کتاب *الخبر الوکلاء الأربعة* نیز در اختیار نجاشی بوده؛ اما شوربختانه این کتاب به دست ما نرسیده است. آنچه از آن در دسترس است، فقط همان چیزی است که در لابه‌لای کتاب‌های حدیثی،

۱. نجاشی در چند جا از کتاب *رجال* با عباراتی مثل «وجدت بخط ابن نوح فیما وصی الی به من کتبه»، به این مطلب تصریح کرده است (ر.ک: نجاشی، بی تا: ص ۶۷، ۱۱۲ و ۳۱۶).

به‌ویژه در کتاب *الغیبه* شیخ طوسی آمده است. شیخ طریق خود را به کتاب *اخبار الوکلاء*، «جماعة من اصحابنا» معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۸۷).

شیخ ۳۵ روایت از این کتاب گرفته که آن‌ها را در فصل‌های چهارم و ششم کتاب خود نقل کرده است. وی در ۱۰ مورد (همان، ۱۴۱۱: ص ۲۹۳؛ ۲۹۴، ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۶، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۳ و ۴۰۸)، به واسطه «أبو عبدالله حسین بن إبراهيم قمی»، معروف به «ابن الحناط» (همان، ۱۴۲۰: مقدمه، ص ۴۸) و در یک مورد (همان، ۱۴۱۱: ص ۳۷۲)، به واسطه «جماعة» از آن نقل کرده و ۲۴ مورد باقیمانده را بدون ذکر واسطه آورده، که در ۱۲ مورد (همان: ص ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۲۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۴، ۳۹۱، ۳۹۸ و ۴۱۰)، سند را با نام ابن‌نوح آغاز کرده، و در ۱۲ مورد دیگر (همان: ص ۳۰۹، ۳۲۴، ۳۵۳، ۳۶۳ (دو روایت)، ص ۳۶۸، ۳۸۴، ۴۱۳ و ۴۱۴ (دو روایت))، نام ابن‌نوح را در سند نیاورده؛ بلکه سند را با نام افرادی مثل «هبة الله» آغاز کرده است. بر اساس قرائن زیر، روشن است که شیخ این روایات را نیز از کتاب ابن‌نوح اخذ کرده است:

الف) شیخ در فهرست، اصلاً «هبة الله» را معرفی نکرده، چه رسد به این که کتاب‌های او و طریق خود به آن را بیان کند؛ درحالی که وی به کتاب‌های ابن‌نوح طریق داشته است (همان، ۱۴۲۰: ص ۸۷).

ب) به احتمال از آن جا که ابن‌نوح چارچوب اصلی کتابش را از هبة الله گرفته است (نجاشی، بی تا: ص ۴۴۰)؛ شیخ در برخی موارد به جای آن که نام ابن‌نوح را در سند بیاورد، به طور مستقیم روایت را از «هبة الله» نقل کرده است (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۵۳).

ج) روایات مذکور، به روایت یا عبارتی در قبل - که نام ابن‌نوح در صدر آن ذکر شده - عطف شده‌اند. در حقیقت، شیخ در گروهی از روایات و عبارات پی در پی به منظور جلوگیری از تکرار بخش آغازین سند، نام ابن‌نوح را حذف کرده است. برای مثال، از میان روایاتی که با نام «هبة الله» آغاز شده، سند سه روایت پی در پی (همان: ص ۳۸۴ و ۳۸۶)، به عبارت «قَالَ ابْنُ نُوحٍ نَسَخْتُ هَذِهِ النُّسَخَةَ مِنَ الْمُدْرَجِينَ الْقَدِيمِينَ الَّذِينَ فِيهِمَا الْخَطُّ وَ التَّوْقِيعَاتُ» (همان: ص ۳۸۴)؛ عطف شده است (نمونه‌های دیگر: ر.ک: ص ۳۰۹، ۳۲۴، ۳۶۳ (دو روایت)، ص ۳۶۸ و ۴۱۳-۴۱۴ (دو روایت)).

۴-۲-۸. ابو عبدالله احمد بن عبدالواحد بن احمد بزاز، مشهور به ابن عبْدُون و ابن حاشِر (م ۴۲۳ق):

وی فقیه، محدث و ادیب امامی است که از مشایخی چون ابوغالب زُراری، ابوبکر دوری، ابن قولویه قمی، ابن داوود قمی، ابوالفرج اصفهانی، ابن جعابی، ابن جنید اسکافی، ابن حمزه طبری مرعشی، ابوطالب انباری، سهل بن احمد دیباجی، دعلج بن احمد سجستانی و ابوالفضل شیبانی استفاده کرده است (نجاشی، بی تا: ص ۸۷؛ طوسی، ۱۳۷۳: ص ۴۱۳؛ همان، ۱۴۱۱: صص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۹۴ و ۲۵۷؛ همان، ۱۴۲۰: ص ۱۰۹، ۲۷۲، ۲۸۱، ۲۹۷ و ۳۸۱ و ابن ماکولا، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۲۹۳ و ۲۹۴). از راویان او نیز نجاشی، شیخ طوسی، ابن غضائری و جعفر بن محمد دوریستی شایان ذکرند (نجاشی، بی تا: ص ۸۷؛ طوسی، ۱۳۷۳: ص ۴۱۳ و حلی، ۱۳۸۱: ص ۷۱).

آثاری همچون اخبار السید بن محمد (سید اسماعیل حمیری)، تاریخ، تفسیر خطبه فاطمة علیها السلام، عمل الجمعة و کتاب الحدیثین المختلفین، به ابن عبْدُون نسبت داده شده (نجاشی، بی تا: ص ۸۷) که امروزه نشانی از آن‌ها در دست نیست. همچنین ابن ماکولا از کتاب فهرست وی یاد کرده و مدعی است نسخه ای از آن را دیده که مفصل نیز بوده است (ابن ماکولا، همان: ج ۲، ص ۲۹۴). این کتاب مورد استفاده شیخ طوسی در فهرست قرار گرفته است (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۱۳).

شیخ طوسی در الغیبه، چهار روایت از وی اخذ کرده که در تمام موارد، سند را با نام احمد بن عبْدُون آغاز کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۹۴ و ۲۵۷). از آن جاکه ابن عبْدُون از مشایخ بی واسطه شیخ است، احتمالاً از وی به طور مستقیم و شفاهی حدیث نقل کرده؛ هرچند اخذ از کتاب‌های او نیز محتمل به نظر می‌رسد.

عبارت «هی نسخة کتاب سلیم بن قیس الهلالی رفعها إلی أبان و قرأها علیه»، در سومین روایت (همان: ص ۱۹۴)؛ که شیخ از ابن عبْدُون نقل کرده و نیز وجود آن روایت در کتاب سلیم (سلیم، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۹۲۴)؛ با نقل آن از ابن عبْدُون منافاتی ندارد؛ زیرا عدم مطابقت سند با

۱. «أخبرنا أحمد بن عبْدُون، عن ابن أبي الزبير القرشي، عن علي بن الحسن بن فضال، عن محمد بن عبد الله بن زرارة، عن عمّن رواه، عن عمرو بن شمر، عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال: هذه وصية أمير المؤمنين عليه السلام إلى الحسن عليه السلام وهي نسخة كتاب سلیم بن قيس الهلالي رفعها إلى أبان و قرأها عليه قال أبان و قرأها على علي بن الحسين عليه السلام فقال: صدق سلیم رحمه الله، قال سلیم... (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۴۱۱)»

طریقی که شیخ در فهرست^۱ به کتاب سلیم ارائه کرده، احتمال اخذ آن را از کتاب سلیم منتفی می‌کند. قابل ذکر است است، علت پایین بودن درصد تشابه^۲ این روایت با روایت موجود در کتاب سلیم، افزون بر اختلاف نسخه در نیمه دوم روایت سلیم، نقل به معنا در سطح واژگان و جملات، جا به جایی و حذف برخی الفاظ می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

در بازشناسی مصادر حدیثی کتاب *الغیبه* شیخ طوسی، نتایج کلی زیر به دست آمد:
 ۱-۵. از میان ۴۹۳ روایت کتاب *الغیبه* شیخ طوسی، مصدر ۳۱۳ روایت تا حدی شناسایی شد که از میان آن‌ها و بر اساس شواهد ارائه شده در متن، ۸۲ روایت از پنج مصدر موجود و ۲۳۱ روایت از هشت مصدر مفقود اخذ شده‌اند.

۲-۵. شیخ احیانا روایاتی را از مؤلف برخی مصادر حدیثی موجود گرفته که آن‌ها را بعد از جست و جو در آن مصادر نیافتیم. برای مثال، از میان ۹ روایتی که شیخ طوسی از نعمانی گرفته، یک روایت را در کتاب *غیبت نعمانی* نیافتیم. در مورد این روایات، چند احتمال قابل پیش بینی است، از جمله اخذ شفاهی از آن مؤلف، اخذ از سایر کتاب‌های آن مؤلف، حذف آن روایت از آن مصدر توسط راویان بعدی یا ناسخان یا...؛ بحث در مورد میزان قوت هریک از این احتمالات، در جای خود گذشت.

۳-۵. شیخ احادیث دیگری را نقل کرده که مصدر آن‌ها را نمی‌دانیم و خود شیخ هم به آن مصادر در کتاب‌هایش اذعان نکرده است. برای مثال، در مواردی، سند را با نام شیخش شروع کرده است که در این موارد، قابل تشخیص نیست که از او شنیده یا از کتابش گرفته یا از کتاب دیگر راویان حدیث اخذ کرده و در اول، طریق خود را به آن کتاب آورده است.

....→

ص ۱۹۴).

۱. «أخبرنا ابن أبي جید عن محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد بن أبي القاسم الملقب بماجیلویه، عن محمد بن علی الصیرفی، عن حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی، عن أبان بن أبی عیاش، عن سلیم بن قیس الهلالی، و حماد بن عیسی عن إبراهیم بن عمر الیمانی، [عن أبان بن أبی عیاش،] عن سلیم بن قیس» (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۲۳۰).

۲. درصد تشابه روایات، با استفاده از نرم افزار «جامع الأحادیث نور ۳/۵» مورد مطالعه قرار گرفته است.

منابع

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۸۰ق). *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و أسماء المصنفین منهم قدیما و حدیثا*، نجف، المطبعة الحیدریة.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق). *مهیج الدعوات و منهج العبادات*، قم، دار الذخائر.
۳. ابن ماکولا، علی بن هبة الله (۱۴۱۱ق). *الإكمال فی رفع الإرتیاب عن المؤتلف و المختلف فی الأسماء و الکنی و الأنساب*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۴. آقابرگ تهرانی، محمد محسن (بی تا). *الذریعة*، بیروت، دار الأضواء.
۵. انصاری، حسن، *هوریت واقعی کتاب اثبات الرجعة*، منبع مقاله: <http://ansari.kateban.com/post/1286>
۶. براری، محمد (تابستان ۱۳۹۵). *منبع شناسی روایات علائم ظهور در کتاب الغیبة شیخ طوسی*، فصلنامه پژوهش های مهدوی، شماره ۱۷.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، بیروت، اعلمی.
۸. _____ (۱۳۸۴ق). *الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة*، نجف، محمدجواد کتبی.
۹. _____ (۱۴۲۷ق). *الرجال*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۱۰. _____ (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. حلّی، حسن بن سلیمان بن محمد (۱۴۲۱ق). *مختصر البصائر*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۲. حلّی، حسن بن علی بن داوود (۱۳۴۲). *الرجال*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۸۱). *ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال*، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۴. _____ (۱۴۱۱ق). *رجال العلامة الحلّی*، نجف، دار الذخائر.
۱۵. الخراسانی کرباسی، محمدجعفر بن محمدطاهر (۱۴۲۵ق). *اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب*، قم، دار الحديث.
۱۶. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق). *الهدایة الکبری*، بیروت، البلاغ.
۱۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، بی جا، بی نا.
۱۸. شبیری زنجانی، محمدجواد (زمستان ۱۳۸۰). *نعمانی و مصادر غیبیة*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲.
۱۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۹۶ق). *فضائل الأشهر الثلاثة*، قم، کتاب فروشی داوری.

۲۰. _____ (۱۳۹۵ق). *كمال الدين و تمام النعمة*، مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران، اسلامیه.
۲۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳). *الرجال*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۲. _____ (۱۴۱۱ق). *الغیبة*، قم، دارالمعارف الإسلامیة.
۲۳. _____ (۱۴۲۰ق). *الفهرست*، قم، مكتبة المحقق الطباطبائی.
۲۴. عریضی، علی بن جعفر (۱۴۰۹ق). *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*، محقق: سید محمد رضا حسینی جلالی، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۲۵. عسقلانی، ابن حجر (۱۳۲۶ق). *تهذیب التهذیب*، هند، مطبعة دائرة المعارف النظامیة.
۲۶. عمادی حائری، سید محمد (۱۳۹۴). *بازسازی متون کهن حدیث شیعه*، قم، دارالحدیث.
۲۷. قلیچ، رسول (آبان ۱۳۹۰). *بررسی دیدگاه عالمان شیعه درباره کتاب سلیم بن قیس با تأکید بر نقد دیدگاه های معاصر*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات تاریخ تشیع، به راهنمایی مهدی مهریزی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۰. مسعودی، محمد (بهار ۱۳۸۸). *بازشناسی مصادر کتاب الغیبة طوسی*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲۸.
۳۱. الموسوی، السید باسم (۱۴۰۹ق). *مختصر إثبات الرجعة للفضل بن شاذان*، فصلنامه تراثنا، شماره ۱۵.
۳۲. نجاشی، احمد بن علی (بی تا). *الرجال*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبة*، مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران، صدوق.
۳۴. الهاللی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس*، قم، الهادی.